

ظهور غیر منتظره ی عیسی

موعظه ی اولین هفته ی بعد از جشن ظهور عیسی

متی ۳، ۱۳ - ۱۷

در آن وقت عیسی از جلیل به رود اردن نزد یحیی آمد تا از او تعمید بگیرد. 14 یحیی سعی کرد او را از این کار باز دارد و گفت: «آیا تو نزد من می آیی؟ من احتیاج دارم از تو تعمید بگیرم.» 15 عیسی در جواب گفت: «بگذار فعلاً این طور باشد، زیرا به این وسیله احکام شریعت را بجا خواهیم آورد.» پس یحیی قبول کرد. 16 عیسی پس از تعمید، فوراً از آب بیرون آمد. آنگاه آسمان گشوده شد و او روح خدا را دید که مانند کبوتری نازل شده به سوی او می آید. 17 و صدایی از آسمان شنیده شد که می گفت: «این است پسر عزیز من که از او خشنودم.»



یحیای تعمید دهنده کسی بود که در تمام طول عمرش، بی صبرانه منتظر آمدن عیسی بود و خودش را برای پذیرایی کردن از او آماده ساخته بود. او حتی در دیداری که با مریم و عیسی داشت از خوشحالی زیاد در پوست خود نمی گنجید. یحیا در طول زندگیاش برای عیسی خدمات زیادی را انجام داد. او بی دلیل روزهای زیادی از عمر خودش را در صحرا نگذراند و یا بی جهت از ملخ و عسل صحرائی تغذیه نمی کرد. او در آن زمان ها نه ترسی از کسی داشت و حتی اگر خیلی مورد توجه مردم قرار می گرفت اعمال ریاکارانه ای انجام نمی داد. ولی او دقیقاً در روزی که او سال ها منتظر آمدن عیسی بود دچار تردید بزرگی می شود که حتی امکان داشت او خودش را بخاطر همین امر از دیدگان همه پنهان کند و یا به یک سرزمین دیگری سفر کند تا کسی او را نبیند. دلیل همه این شک و تردیدها بخاطر این بود که او تصور این را نمی کرد که عیسی همانند افراد دیگر برای انجام غسل تعمید در نزد او بیاید.

او انتظار این را داشت که عیسی به شکل یک شعله ی آتش بزرگ ظهور خواهد کرد و تمام هستی به یکباره متحول گشته و صلح جاویدان برقرار می شود. حال عیسی کجا می آید؟ او به سوی یحیا رفته و از او تقاضا دارد تا او را در آب نه چندان تمیز رود اردن غسل دهد. او می خواهد به واسطه ی یحیا، همانند افراد دیگر غسل ببیند. او به جای اینکه پلیدی و زشتی تمام هستی را نابود سازد خودش را در دستان یحیا قرار می دهد تا فرمان و برنامه ی خدا به درستی انجام پذیرد. بله؛ عیسی به نحوی ظاهر گردید که یحیای پیغمبر تصور آن را هم نمی کرد، حتی امروزه هم انتظار ما از آمدن عیسی به گونه دیگری می باشد. حال توقع ما از آمدن عیسی چه می تواند باشد؟ ظهور عیسی در مسیحیت به معنی و مفهوم این است که او برای ما آمده است و خودش را در کنار ما جای داده است. به نظر شما این چه مفهومی می تواند برای ما داشته باشد؟ آیا ما نباید به این اعتراف بکنیم که او غالباً همیشه به یک شکل دیگری نسبت به آنچه که ما انتظار آن را داریم ظاهر می شود؟ ما هم همانند یحیا می خواهیم که در بعضی از اوقات خودمان را در جلوی عیسی خوب جلوه دهیم برای همین کارهای خوبی انجام می دهیم چون فکر می کنیم عیسی از آنها خوشحال شده و برای آن به ما پاداش می دهد. و وقتی که دچار گناهی می شویم توقع داریم که آن اعمال خوب، کمی از بار گناهانمان را کم کند. ولی اینجا طوری دیگر عیسی به فریاد ما می رسد؛ اری، عیسی خودش به سوی ما می آید و ما را در موقعیت هایی که درمانده و ضعیف شده ایم نجات می دهد. ما انسان ها هیچ گاه نخواستیم از این متقاعد بشویم که ظهور عیسی به شکل متفاوتی رخ داده است. برای همین عیسی بایستی به ما راه حقیقی خودش را به طریقی ثابت کند. به همان نحوی که یحیا از آن آگاه می شود. که عیسی در این باره به او می گوید: "ای یحیا، تصور تو از آمدن من کاملاً درست بوده است که من به شکل متفاوتی ظهور خواهم کرد ولی من به شکل شعله ی آتش نیامده ام و یا من به یکباره صلح جهانی را در این دنیا برقرار نکردم بلکه من آمده ام تا خود را در پایین ترین سطح ممکن در جایگاه تمام گناهکاران قرار بدهم." همانطوری که عیسی پدیدارشدنش را به یحیا توضیح می دهد، به همان شکل نیز بایستی به ما گوشزد بکند. ای انسان؛ تو می خواهی که هر چیزی که در این دنیا وجود دارد یکباره تغییر بکند و به کمال ناب برسد. این انتظارات را از قدیم همه انسان

ها با خود داشته اند و این یک چیز تازه ای نمی باشد. این انتظار به این معنی می باشد که عیسی بایستی همه پلیدی ها را از روی زمین محو نماید. بخاطر همین عیسی به ما می گوید: اگر شما بخواهید از اسرار من سرور اورید ، بدانید که این کار نشدنی است و به همین دلیل برای اثبات آن ، شماها اعمال زیادی را انجام می دهید ولی چه فایده ؛ زیرا شما در این راه گم می شوید و هدف اصلی من را هرگز متوجه نخواهید شد. شماها در این راه به صورت مداوم دنبال چیزی می گردید تا در زندگیتان به شما تسلی بدهد ولی بخاطر عدم آگاهی آن را بدست نمی اورید. من نمی خواهم شما را نا امید کنم و یا به گمراهی بکشانم و یا عدالت جاویدانم را برای شما دست نیافتنی نشان دهم بلکه من قصد دارم آن عدالت جاویدانم را به راحتی به شما هدیه بدهم. ولی این امر به این معنی نمی باشد که چون به اسانی این عدالت را به شما می بخشم ، آن خیلی بی ارزش می باشد. نه ، من به خاطر آن جسم و خونم را داده ام و خیلی رنج ها را تحمل کرده ام. و برای همین من دوست دارم که آن را در جایی به شماها بدهم که همیشه بایستی قرار گیرد ؛ بله در قلب شماها.

عیسی همیشه به گونه متفاوتی نسبت به آنچه که انتظار داریم در پیش ما ظاهر می گردد. ما می خواهیم که گناهانمان را جلوی عیسی اعتراف بکنیم ولی او خود را به دستان یحیای تعمید دهنده می سپارد تا او را همانند یک گناهکار غسل دهد. ما فکر می کنیم که همیشه باید خودمان را به او نزدیک کنیم ، در صورتی که او دوست دارد تا خودش در کنار ما قرار گیرد. ما انتظار این را داشتیم که عیسی همانند یک پادشاه زمینی بر روی زمین ظاهر گردد ولی او بعنوان پسر یک خانواده فقیر به سوی رود اردن می رود. عیسی خودش نور و زندگی است و همیشه خودش را در جاهای تاریک می گذارد. او که خودش زندگی جاویدان است ، مرگ همه را به جان می خرد . حال ما انسان ها با خودمان می گوئیم : "این عیسی نمی تواند عیسی موعود باشد و اصلا باهم جور در نمی آید". ما انسان ها همانند یحیا اغلب میل داریم که دنبال چیزهای متفرقه بگردیم و از اصل موضوع دور شویم و این را از یاد ببریم که عیسی خیلی به ما نزدیک می باشد . ولی عیسی به یحیا حرف های بسیار خوبی می زند که به او جرات و نیرو می دهد که البته پذیرفتن آن ها از طرف یحیا نیز واجب می بود. عیسی می گوید: "بگذار تا سنت خدا انجام پذیرد و از طریق تولد من عدالت ناب برقرار گردد". عیسی حتی امروزه همین حرف ها را برای ما می گوید و به ما جرات و نیرو می دهد. او به ما نشان می دهد که ما در دستان او کاملاً ایمن هستیم و می توانیم به او اطمینان کامل داشته باشیم. و او مسیر عدالت جاویدان را برایمان هموار کرده است که آن تنها راهی است که ما می توانیم از آن عبور کنیم.

برنامه خدا در کنار رود اردن ادامه پیدا می کند و پسر خدا به تکلیف خود بله می گوید و زمانی که خود را به عنوان یک ادم گناهکار در پیشگاه خدای پدر قرار می دهد ، یک امین رسا از آسمان شنیده شد و روح خدا به زمین آمد و گفت " این پسر نیکوی من است که از او بسیار خوشنودم". در این روز برای همه اشکار می گردد که برنامه خدای پدر برای عیسی چه می باشد. عیسی بایستی فقط در کنار ما قرار گیرد بلکه او بایستی در این راه ما را همراهی کند. هدف او تنها رفتن به سوی رود اردن و انجام غسل تعمید نبود بلکه رفتن بر روی صلیب بوده است. راه او نه فقط به سوی رود کثیف اردن می باشد بلکه مسیر زندگی او تا اعماق گناهانمان می باشد. همانطور که او در اب آن رود کثیف غوطه ور شد ، تمام دروغ ها ، ریاکاری ها ، گناهان و دردهای ما را نیز به جان می خرد. او خودش را در ما قرار می دهد تا ایمان ضعیف مان را قوی سازد و از ناامیدی بیرون آیم. در جاهایی که ما ترس از آینده داریم او آن دلهره را برای ما از بین می برد. در زمانی که بیمار و در حال مرگ هستیم او تنها کسی است که به داد ما می رسد. خدای بزرگ فقط در این موارد ذکر شده در کنار ما نمی باشد بلکه ما زمانی که غسل تعمید دریافت می کنیم از آسمان ها به سوی ما آمده و به ما می گوید : "این است پسر نیکوی من که از او بسیار خوشنودم." این کلام را شاید انسان ها نتوانند درک بکنند. ولی او برای تمام بندگان این را می سراید. در لحظه غسل تعمید من با تمام گناهان و ضعف هایم در جلوی خدا می ایستم و از او طلب زندگی جاویدان را دارم و او با اغوشی باز

به من می گوید: "من تو را همانند پسر دوست دارم". این چه هدیه بزرگی می تواند باشد؟ خدا به ما هدیه ای بزرگتر از اطمینان خاطر نمی تواند بدهد. عیسی در زمان غسل تعمید در ما خانه می کند بخاطر همین امر من هم مثل یحیای پیامبر عمل می کنم و دیگر از این هدف دور نمی شوم و خودم را دیگر پنهان نمی کنم بلکه به همان جایی می روم که عیسی انتظار دیدار مرا می کشد. جایی که عیسی من را همانطور می که هستم می

پنیرد. و او از من که بسیار ناتوان و در حال مرگ هستم شخصی نیرومند می سازد و زندگی جاویدان خود را به من می بخشد. زیرا او همه چیزهای خوب را برای من می خواهد. آمین.